

نامه تاجزاده به رهبری در سومین سالگرد کودتای انتخاباتی آقای خامنه‌ای! پاسخ بدهید

میرحسین موسوی: اینکه حتی مصلحت های روزمره و عاجل حکومت باعث نشده است که تمامیت خواهان و دولتیان دست از دروغ و فساد و خرافه و زیر پا نهادن قانون اساسی و سایر قوانین بردارند، نشان از نفوذ عمیق این زشتی ها در لایه های درونی نظام دارد.

بحران و کشتار نینجامید، علت را باید در درایت مسئولان آن کشور در پیگیری شکایات از طریق مرجعی قابل اعتماد عمومی به نام کمیته تحقیق و حقیقت یاب جست و جو کرد و اگر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که منجر به انتخاب جرج بوش شد اختلاف و ابهام در نتیجه انتخابات به بحران نینجامید علت آن بود که دادگاه فدرال این کشور به گونه ای عمل نکرده بود که اعتماد عمومی از آن سلب شود، بنابراین وقتی دادگاه فدرال صحت انتخابات را تأیید کرد همگی به آن گردن نهادند. ریشه سلب اعتماد عمومی به مراجع و سازوکارهای قانونی پیگیری مطالبات مردم را باید در عملکرد آن مراجع و سازوکارها و وعده های عمل نشده جست و جو کرد. ۳- ساعت شش بعد از ظهر روز انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ به ستاد انتخابات موسوی در قیطریه حمله شد، تعدادی از لباس شخصی های مهاجم که بعدا معلوم شد وابسته به یکی از نهادهای امنیتی نظامی بودند، توسط کارکنان ستاد دستگیر شدند و آقایان محسن امین زاده و عبدالله رمضان زاده مسئولان ستاد، آنها را به پلیس که در محل حاضر شده بود تحویل دادند که البته پلیس نیز بلافاصله آنان را آزاد کرد. نیمه های شب درحالی که هنوز هیچ تظاهراتی صورت نگرفته بود و هیچ یک از احزاب حامی موسوی و کروی موضعی اعلام نکرده بودند، نیروهای امنیتی به خانه های برخی فعالان سیاسی و مسئولان ستادهای انتخاباتی موسوی و کروی هجوم بردند و آنها را دستگیر کردند. این درحالی بود که ماه ها بعد از دستگیری و بازداشت در سلول های انفرادی و تحمل شرایط و بازجویی های وحشتناکی که فعلا قصد توصیف آن را ندارم و کلا می ما به هنگام مطالعه پرونده ها، احکام دستگیری ما را که در روزهای قبل از ۲۲ خرداد صادر شده بود مشاهده کردند. اگر واقعا بهانه آن دستگیری ها تظاهرات و به اغتشاش کشاندن جامعه و انقلاب محملی در روزهای پس از انتخابات بود، چرا احکام دستگیری بازداشت شدگان در روزهای قبل از انتخابات صادر شده بود؟ در کدام کشور آزاد حکم بازداشت فعالان ستاد انتخاباتی نامزدهای رقیب (نامزد منتقد جناح حاکم) چند روز قبل از برپایی انتخابات صادر می شود و در روز برگزاری انتخابات به ستاد نامزدهای رقیب حمله می شود و روز بعد از انتخابات نیز مسئولان ستاد وی بازداشت می شوند؟ ساعت شش بعداز ظهر روز رأی گیری کدام اعتراضی صورت گرفته بود که به ستاد موسوی حمله شد؟ این سؤالا پاسخی ندارند اما از یک واقعیت حکایت دارند و آن این که آن هجوم ها و دستگیری ها براساس سناریوی از پیش طراحی شده صورت گرفت. احتمالا پیش بینی می شده که کودتای انتخاباتی واکنش هایی را برانگیزد در نتیجه باید برای برخورد با آن تمهیدات لازم از جمله احکام دستگیری ها اندیشیده می شده است.

۴- در انتخابات ریاست جمهوری اخیر روسیه که به پیروزی پوتین انجامید، بخش وسیعی از رأی دهندگان و نیز نامزدهای رقیب دولت را مهمم به اعمال نفوذ و تقلب در انتخابات کردند. وزیر اطلاعات ایران همچون دیگر مقامات که علاقه زیادی به بیان ادعاهای بزرگ دارند، گفت، ما به روسها اطلاع دادیم که آمریکایی ها و غربیها به بهانه تقلب در انتخابات قصد بحران سازی و توطئه در کشور شما را دارند. لابد وزیر محترم اطلاعات تجارب دستگاههای امنیتی و نظامی ایران در برخورد با اعتراضات مردمی پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ ایران را در اختیار برادران روس و شخص پوتین قرار داده! اما ظاهرا پوتین و پریماکف علاقه ای به استفاده از این تجربه نداشتند. آنها به رغم برخورداری از تجارب خشن ترین شیوه های سرکوب در شوروی کمونیستی و برخلاف مسئولان ایران به جای سرکوب، به معترضان نتایج انتخابات و مدعیان تقلب در انتخابات اجازه تظاهرات دادند و با درایت و تدبیر و به رسمیت شناختن حق مردم در برگزاری تظاهرات از تبدیل شدن آن ماجرا به بحرانی در سطح ملی جلوگیری کردند و با این عملکرد خود به وزیر اطلاعات و دیگر مقامات عالی ایران فهماندند که حتی اگر توطئه بیگانگان هم در کار باشد این هنر مسئولان یک کشور است که میتواند از بروز فاجعه جلوگیری کند. به راستی چرا جناح حاکم <<< ادامه در صفحه ۳

و از معترضان خواستید اعتراض خود را از مجاری رسمی قانونی دنبال کنند. و گفتید راه اعتراض به نتایج انتخابات اردو کشی خیابانی نیست و بی قانونی و زورگویی را از هیچ کس تحمل نمی کنید و با کسانی که چنین شیوه ای برای دستیابی به خواسته های خود در پیش می گیرند شدیدا برخورد می کنید. آن خطبه تقریبا در تمامی سخنرانی ها و میزگردهای برگزار شده در رسانه ملی راجع به حوادث پس از انتخابات ۸۸ مورد استناد قرار گرفته است، اما به یک پرسش هرگز پاسخ داده نشد و آن این که در سراسر سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۸ همواره گروه هایی تحت عنوان انصار حزب الله به کمترین بهانه ای از درج مقاله ای در نشریه ای دانشجویی با تیراژ پانصد عدد گرفته تا عبارتی در یک کتاب و تا اعتراض به یک مراسم قانونی و ... آزادانه در خیابان ها به تظاهرات پرداختند، به مراسم مختلف حمله بردند و به ضرب و شتم مخالفان پرداختند و بعضا دفاتر روزنامه ها را به آتش کشیدند. کابفروشی ها و سینماها را سوزاندند، اما در طول این ۱۸ سال حتی یک بار شما به این اردو کشی و تهدید جان و مال شهروندان اعتراض نکردید و از دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی و قضائی نخواستید دست اندرکاران این اجتماعات غیرقانونی را شناسایی و مجازات کنند. آیا اردو کشی خیابانی -اگر بتوان نام تظاهرات اعتراضی را اردو کشی خیابانی گذاشت-، مطلقا خلاف قانون و ناپسند است و یا فقط برای معترضان به عملکرد ما خلاف قانون و ناپسند است؟

۲- پس از خرداد ۸۸ سخنرانان و مبلغان حاکمیت که به اعتراف سردار مشفق مأمور توجیه نخبگان و خواص شدند، آقایان مهندس موسوی و کروی و فعالان سیاسی اصلاح طلب را متهم می کردند که برای طرح پیگیری شکایت خود به روش های غیر قانونی نظیر تظاهرات اعتراضی متوسل شده اند. اگرچه تظاهرات حق قانونی شهروندان است و دولت مطابق قانون اساسی موظف به تأمین امنیت برگزار کنندگان راهپیمایی های مسالمت آمیز است، اما آنها خود بهتر می دانند که تظاهرات چند میلیونی ۲۵ خرداد به دعوت موسوی و کروی برگزار نشد، بلکه این خود مردم معترض و عصبانی بودند که به طور خودجوش به خیابان ها آمدند و موسوی و کروی تنها به انگیزه همراهی با مردم و بنابر عهد خود با مردم که آنها را تنها نخواهند گذاشت در این راهپیمایی شرکت کردند، اما فرض را براین می گذاریم که قانونا هرکس موظف است برای پیگیری مطالبات خود تنها از مجاری رسمی اقدام کرده و در کنار آن و یا حتی مستقل از آن حق برگزاری هیچ تجمع و راهپیمایی را ندارد، اما آیا مراجع و سازوکارهای رسمی و مقامات منصوب ایشان از جمله شورای نگهبان و قوه قضائیه در سال های گذشته به گونه ای عمل کرده بودند که کمترین اعتماد و امیدی به پیگیری شکایات و اعتراضات قانونی به تخلفات و تقلبات سیاسی در انتخابات وجود داشته باشد؟ در تمام دوران اصلاحات از انتخابات خرداد ۷۶ و ماجرای رسوای کارناوال عصر عاشورا گرفته تا انتخابات مجلس هفتم که شما در برابر رد صلاحیت های گسترده ضمن تأکید بر برگزاری انتخابات، رسیدگی به اعتراضات را به بعد از انتخابات موکول کردید و تا انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ که پرونده دخالت غیر قانونی برخی سرداران در آن انتخابات افشا شد و آقای هاشمی رفسنجانی از تخلفات و تقلبات به خداوند شکایت برد و رهبری وعده رسیدگی به تخلفات را دادند و تا انتخابات سراسر تخلف ریاست جمهوری ۸۸ که حتی شورای نگهبان نیز در گزارش خود آن را انکار نکرد اما تخلفات و اعمال نفوذها را مؤثر در تغییر نتایج انتخابات ندانست، همواره شکایت های فراوانی در شورای نگهبان و قوه قضائیه مطرح شده است، اما به آن شکایات نه از سوی شورای نگهبان و نه از سوی قوه قضائیه و نه از سوی هیچ مرجع دیگری هرگز رسیدگی نشد. با توجه به این سابقه درخشان چگونه از آقایان موسوی و کروی انتظار می رفت، به امید احقاق حقوق خویش و میلیون ها شهروندی که رأیشان مصادره شده بود، سکوت پیشه کنند؟ ابهام و اعتراض و شکایت به نتایج انتخابات در هر کشوری از افغانستان گرفته تا ایران و تا امریکا می تواند اتفاق بیفتد، کما این که اتفاق افتاده است. اگر در افغانستان این اعتراضات به

حضور آیت الله خامنه ای رهبر محترم جمهوری اسلامی ایران با سلام سه سال پیش برگزاری یکی از پرابهام ترین و ناسالم ترین انتخابات تاریخ ایران به اعتراضی گسترده در سطح ملی انجامید. حدود یک هفته پس از شروع اعتراضات، در نماز جمعه تظاهرات معترضان را اردو کشی خیابانی خوانده، مسئولیت خون هایی را که ریخته خواهد شد، متوجه خود آنان دانستید. آن اعتراضات با شدیدترین و سخت ترین شیوه های سرکوب مواجه شد. خون بسیاری از مردم بی گناه ریخته شد، عده زیادی معلول شدند و ساکت در خانه ها ماندند تا تنها همین معلولیت تاوان اعتراضشان به عدم سلامت انتخابات باشد و رنج سال ها حبس بر آن افزون نگردد. خانواده های بسیاری داغدار شدند، خوش نام ترین و محترم ترین چهره های جامعه و مدیرانی که سالها در بالاترین سطوح به این مردم خدمت کرده بودند، حتی پیش از اولین راهپیمایی های اعتراضی دستگیر و به اتهام هایی نظیر انقلاب مخملی، رابطه با بیگانه، تلاش برای سرنگونی نظام و .. که البته هرگز در دادگاه های فرمایشی کوچکترین سندی دال بر صحت آن ارائه نشد، به حبس های طولانی محکوم شدند در طول این مدت هزاران ساعت میزگرد در صدا و سیما و سخنرانی در تریبون های رسمی و غیر رسمی از نماز جمعه و جماعات گرفته تا وعظ بر منابر و تا مراسم دولتی و ... در محکوم کردن آن اعتراضات و متهم کردن معترضان به براندازی برگزار شده است بدون این که کمترین تأثیری در رفع ابهام های واقعی موجود در این ماجرا داشته باشند و یا حتی به یکی از ده ها سؤال مطرح در باره این ماجرا پاسخ داده شده باشد.

ابهام ها و سؤال هایی که اگر به خوبی در آن تأمل شود حقایق بسیاری را که آقایان به هیچ وجه تمایلی به طرح آن ندارند، آشکار میکند، از جمله این که انتخابات خرداد سال ۸۸ و تخلفات آن کاملا سازماندهی شده بود، موج دستگیری ها براساس طرحی از پیش آماده شده صورت گرفت و مقامات عالی کشور هیچ عزم و اراده ای در رسیدگی به اعتراضات و شکایات کاندیداهای رقیب مدعی تقلب و طرفداران آنها نداشتند و ... من در این فرصت قصد پرداختن به اصل ماجرا و نقد و ارزیابی تحلیل های محافل نظامی- امنیتی در باره انتخابات ریاست جمهوری دهم و حوادث پس از آن را ندارم. در زندان و درجریان بازجویی ها در این باره مفصل با بازجویانم سخن گفته ام. به اعتقاد من سخنرانان و مبلغان رسمی خود بهتر از من و شما می دانند که تحلیل هایشان در باره این ماجرا که عمدتا بر محور توطئه براندازی و ارتباط معترضان با سرویس های امنیتی دور می زند، هیچ اساسی ندارد. آنها حتی اگر خود جزو بازی نبوده باشند هم چاره ای جز دفاع از این گونه تحلیل ها ندارند زیرا اگر معترضان را به براندازی و رابطه با بیگانه متهم نکنند، چگونه می توانند خوشنوی را که اعمال شد و خون هایی را که بر زمین ریخت، قوانین و معیارهای انسانی که به راحتی زیر پا گذاشته شد و لطمات و آسیب هایی را که عملکرد و تصمیمات مسئولان عالی کشور در این ماجرا به جامعه و کشور و نظام زد، توجیه کنند؟ و از همه مهم تر چگونه می توانند توجیه گر خفقان و استبدادی باشند که اکنون آن را تجربه می کنیم؟

قصد من از نگارش این نامه تنها طرح ساده و در عین حال صریح برخی از همان ابهام هایی است که هزاران ساعت میزگرد و سخنرانی و وعظ و خطابه عمدا از پاسخ به آنها و تبیین آنها طفره رفته اند. تا تأکیدی باشد بر صحت ارزیابی و تحلیل ما از آن کودتای انتخاباتی و حقانیت راهی که رفته ایم و نیز فرصتی باشد برای آنان که نه به ضرورت حفظ قدرت و موقعیت بلکه به انگیزه پای بندی به دیانت و وطن دوستی از عملکرد حاکمیت دفاع می کنند. خوشحال خواهم شد اگر مدعیان و مظاهران به پای بندی به قانون و آزادی و اصول که در قبال مفاسد و بی قانونی های غیر قابل انکار حاکمیت، تنزه طلبی پیشه می کنند تا بی قانونی ها و بی عدالتی های پنهان را توجیه کنند، به این سؤال ها پاسخ دهند:

۱- شما در خطبه نماز جمعه ۲۹ خرداد ۸۸ تظاهرات اعتراضی به نتایج آن انتخابات پرابهام و پر مسئله را اردو کشی خیابانی خواندید

روزنامه کلمه را پس از خواندن، کنار نگذارید، دست به دست کنید. هر ایرانی یک رسانه است.